

Analyzing research self-efficacy barriers among students (case study: Agricultural Sciences and Natural Resources University of Khuzestan)

Hamed. Izadi ¹, Bahman. Khosravipour ^{2*}, Moslem. Savari ³

¹ Ph.D. student, Faculty of Agricultural Engineering and Rural Development, Agricultural Sciences and Natural Resources University of Khuzestan, Ahvaz, Iran

² Professor, Faculty of Agricultural Engineering and Rural Development, Agricultural Sciences and Natural Resources University of Khuzestan, Ahvaz, Iran

³ Associate Professor, Faculty of Agricultural Engineering and Rural Development, Agricultural Sciences and Natural Resources University of Khuzestan, Ahvaz, Iran

* Corresponding author email address: khosravipour@Asnruckh.ac.ir

Article Info

Article type:

Original Research

How to cite this article:

Samadi Vik, H., Sanavifard, R., & Khajeh, M. (2025). Analyzing research self-efficacy barriers among students (case study: Agricultural Sciences and Natural Resources University of Khuzestan). *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 31(3), 79-98.



© 2025 the authors. Published by Institute for Research and Planning in Higher Education (IRPHE), Tehran, Iran. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License.

ABSTRACT

Conducting research is one of the important and essential processes and skills for students, especially at higher levels, postgraduate studies and it will have a great impact on improving educational processes and expanding scientific services in society. One of the most important factors affecting students' research is their beliefs about their abilities in this field. Research self-efficacy is a significant predictor of research productivity among students and it is confirmed as an important predictor for the stability and academic progress of students. The purpose of this research was to analyze the barriers to research self-efficacy among students using grounded theory. Due to considering the exploratory approach in the analysis of obstacles, a qualitative approach was used. The statistical population of this research was graduate students of Khuzestan University of Agricultural Sciences and Natural Resources. The main method of data collection was semi-structured in-depth interview. After studying and evaluating and receiving the opinions of the consultants, the final interview questions were designed, the initial interview and these interviews continued until data saturation (26 people). Sampling in this method is theoretical sampling and data analysis was done based on the guidelines provided by Strauss and Corbin during three main stages of open coding, axial coding and selective coding. By analyzing the text of the interviews, during open coding 123 conceptual codes were extracted. concepts, during the hierarchy of coding in the basic theory they were categorized in 15 core categories. Causal conditions (person-centered factors, university-centered factors, environment-centered factors), contextual conditions (inside the university, outside the university), intervening conditions (person, university, society), strategy (individual efforts, academic reforms, interaction with technology) and the outcome (individual effects, merit selection, job creation and professional workforce, knowledge expansion) was finalized during coding and presented in the form of a conceptual model.

Keywords: graduate, research self-efficacy, Graduate students, ground theory.



فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی

دوره ۳۱، شماره ۳، صفحه ۹۸-۷۹



شاپای الکترونیکی: ۲۲۰۱-۲۷۱۷

واکاوی موانع خودکارآمدی پژوهشی در میان دانشجویان؛ مطالعه موردی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان

حامد ایزدی^۱، بهمن خسروی پور^۲، مسلم سواری^۳

۱. دانشجوی دکتری، دانشکده مهندسی زراعی و عمران روستایی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، اهواز، ایران

۲. استاد، دانشکده مهندسی زراعی و عمران روستایی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، اهواز، ایران

۳. دانشیار، دانشکده مهندسی زراعی و عمران روستایی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، اهواز، ایران

*ایمیل نویسنده مسئول: khosravipour@Asnrukh.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله

پژوهشی اصیل

نحوه استناد به این مقاله:

ایزدی، حامد، خسروی پور، بهمن، و سواری، مسلم. (۱۴۰۴). واکاوی موانع خودکارآمدی پژوهشی در میان دانشجویان؛ مطالعه موردی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان. *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، ۳۱(۳)، ۹۸-۷۹.



© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY 4.0) صورت گرفته است.

انجام دادن پژوهش از فرایندها و مهارت‌های مهم و اساسی برای دانشجویان، به ویژه در مقاطع بالا؛ یعنی تحصیلات تکمیلی است و در بهبود فرایندهای آموزشی و گسترش خدمات علمی در جامعه تأثیر فراوانی دارد. یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر انجام دادن تحقیق در دانشجویان، باورهای آن‌ها به توانایی‌هایشان در این زمینه است. خودکارآمدی پژوهشی پیش‌بینی چشمگیری برای بهره‌وری پژوهش در میان دانشجویان و به عنوان پیش‌بینی کننده مهمی برای پایداری و پیشرفت تحصیلی دانشجویان تأیید می‌شود. هدف این پژوهش واکاوی موانع خودکارآمدی پژوهشی در میان دانشجویان با استفاده از نظریه بنیانی بود. با توجه به مد نظر بودن رویکرد اکتشافی در واکاوی موانع از دیدمان کیفی استفاده شد. جامعه آماری پژوهش دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان بودند. روش اصلی گردآوری داده‌ها مصاحبه‌ی عمیق نیمه ساختاریافته بود. پس از مطالعه و ارزیابی و دریافت نظر مشاوران، سؤالات مصاحبه نهایی طراحی و مصاحبه آغاز شد و تا حد اشباع داده‌ها (۲۶ نفر) ادامه یافت. نمونه‌گیری به صورت نظری بود و داده‌ها بر اساس دستورالعمل‌های ارائه شده توسط اشتراوس و کوربین طی سه مرحله اصلی کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی تحلیل شد. با تحلیل متن مصاحبه‌ها، طی کدگذاری باز، ۱۲۳ کد مفهومی استخراج شد. مفاهیم طی سلسله‌مراتب کدگذاری در نظریه مبنایی، در قالب ۱۵ مقوله محوری دسته‌بندی شدند. شرایط علی (عوامل فردمحور، عوامل دانشگاه‌محور و عوامل محیط‌محور)، شرایط زمینه‌ای (درون دانشگاه و بیرون دانشگاه)، شرایط مداخله‌گر (شخص، دانشگاه و جامعه)، راهبرد (تلاش‌های فردی، اصلاحات دانشگاهی و تعامل با فناوری) و پیامد (اثرهای فردی، شایسته‌گزینی، اشتغال‌زایی و نیروی کار حرفه‌ای و گسترش دانش) طی کدگذاری، نهایی و در قالب مدل مفهومی ارائه شد.

کلیدواژه‌گان: آموزش عالی، خودکارآمدی پژوهشی، دانشجویان تحصیلات تکمیلی، نظریه داده بنیان.

مقدمه

امروزه، با توجه به روند افزایش تعداد دانشجویان تحصیلات تکمیلی، محور پژوهش به یک عنصر حیاتی برای رشد علمی دانشگاه‌ها تبدیل شده است (Yasini & Taban, 2015). پرداختن به مسئله پژوهش یکی از مهم‌ترین وظایف دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی برای توسعه ملی و پیشبرد دانش و فناوری است. همچنین پژوهش از ضروریات هر جامعه و از فرایندها و مهارت‌های مهم و اساسی برای دانشجویان به‌خصوص در مقاطع تحصیلات تکمیلی است که در بهبود فرایندهای آموزشی و گسترش خدمات علمی و پیشرفت جامعه نقش مهمی دارد و رفع موانع مربوط به آن از دغدغه‌های استادان، دست‌اندرکاران دانشگاهی و سیاستگذاران مربوط است (Roshniyan Ramin & Aghazadeh, 2013). حیطه تحقیق و پژوهش از جذاب‌ترین حیطه‌هایی است که اثرهای خودکارآمدی و احساس اطمینان در آن بررسی شده و این در حالی است که در ایران کمتر به آن پرداخته شده است که یکی از دلایل آن می‌تواند در دسترس نبودن منابع اصلی و مرجع در این زمینه دانست (Gravand et al., 2013) یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر اجرای پژوهش در دانشجویان، باورهای آن‌ها به توانایی‌هایشان در این زمینه است. پژوهشگران قضاوت افراد در خصوص توانایی‌هایشان را به‌منظور سازماندهی و اجرای یک سلسله کارها برای رسیدن به عملکردهای پژوهشی مشخص را خودکارآمدی پژوهشی می‌نامند (Salehi et al., 2011).

شناخت زمینه‌های شکل‌گیری خودکارآمدی پژوهشی می‌تواند زمینه موفقیت دانشجویان تحصیلات تکمیلی را فراهم کند، زیرا خودکارآمدی پژوهشی رضایت‌بخش می‌تواند باعث بهبود عملکرد پژوهشی و همچنین آموزشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی شود (Sawtelle et al., 2013). خودکارآمدی پژوهشی در افراد می‌تواند سبب شود که آن‌ها بعدها حرفه‌های پژوهشی را دنبال کنند (Mullikin et al., 2007). خودکارآمدی پژوهشی تعیین‌کننده علاقه فراگیران به انجام دادن پژوهش است و با تولیدات پژوهشی آن‌ها در ارتباط است (Kahn, 2001; Vaccaro, 2009). خودکارآمدی پژوهشی نامناسب می‌تواند در امر یادگیری، آموزش و تمایل دانشجویان به اجرای پژوهش اختلال ایجاد کند و بر خروجی عملکردی آنان در این زمینه تأثیرگذار باشد (Baltes et al., 2010)؛ سطح خودکارآمدی پژوهشی بالا به‌طور معنادار با دستاوردهای علمی قوی و سطح خودکارآمدی پژوهشی پایین با دستاوردهای علمی ضعیف مرتبط است (Hemmings & Kay, 2010). این متغیر که پیش‌بینی‌کننده تلاش، پشتکار و پیشرفت دانشجویان برای انجام دادن پژوهش است، موجب دنبال کردن حرفه‌های پژوهشی توسط دانشجویان (Mullikin et al., 2007) و افزایش تولیدات و دستاوردهای علمی و پژوهشی او در آینده می‌شود (Hemmings & Kay, 2010).

خودکارآمدی پژوهشی مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر رساله دانشجویان و به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده مهمی برای پایداری و پیشرفت تحصیلی دانشجویان تأیید می‌شود (Poh & Abdullah, 2019). نرخ پایین انتشارات علمی - پژوهشی توسط فارغ‌التحصیلان و نیاز به زمان طولانی‌تر برای اخذ مدرک در دوره‌های تحصیلات تکمیلی، به‌خصوص دوره دکتری، نگرانی بزرگی برای سازمان‌های آموزش عالی به همراه داشته است. از طرف دیگر، بررسی جایگاه آموزش عالی از نظر فعالیت‌های علمی و پژوهشی استادان و دانشجویان و سهم ناچیز مراکز دانشگاهی و پژوهشی در تولید دانش بشری مبین وضعیت نامطلوب کشور در مقایسه با سایر کشورهای هم‌تراز است (Shafiei et al., 2017). دانشگاه‌ها با وجود برخورداری از محیط آموزشی - پژوهشی و عوامل اجتماعی مطلوب، عملکرد آموزشی و پژوهشی مطلوبی ندارند و دلیل این امر، پایین بودن عوامل خودکارآمدی و خودکارآمدی پژوهشی در دانشجویان است. پژوهش‌های موجود ملی حاکی از این است که محیط و فضای حاکم بر گروه‌های علمی دانشگاه‌ها پژوهشی نیست، زیرا بیشتر وقت استادان صرف آموزش می‌شود و فقط گروه معدودی از آن‌ها آموزش خود را با پژوهش همراه کرده‌اند (Yasini & Taban, 2015). همچنین بسیاری از دانشجویان مقطع دکتری گزارش می‌دهند که علی‌رغم داشتن فضای آموزشی دقیق در آموزش تحقیق، اعتماد به نفس کمتری در توانایی‌های تحقیقاتی خود دارند (Lamar & Helm, 2017; Petko et al., 2020).



پژوهشگران دریافته‌اند که خودکارآمدی پژوهشی ناکافی یکی از دلایل بی‌علاقگی و شرکت نکردن در فعالیت‌های پژوهشی است (Karsheki & Bahmanabadi, 2012). همچنین خودکارآمدی پژوهشی ناکافی یکی از دلایل اصلی بی‌علاقگی و عدم مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های پژوهشی است و برای تکمیل پایان نامه یا رساله محسوب تهدیدی جدی می‌شود (Baltes et al., 2010). حالا سؤال این است که با وجود آنکه دانشگاه‌ها منابع زیادی را صرف پژوهش می‌کنند، چرا نتایج در حد مورد انتظار نیست. دانشجویان با پیشینه‌های مختلف، نقاط قوت و ضعف متفاوت و همچنین ویژگی‌ها و توانایی‌های پیچیده و متفاوتی دارند و بنابراین، موفقیت در واحدهای پژوهشی و عوامل مؤثر بر این دوره به متغیرهای محیطی و اجتماعی مختلفی بستگی دارد (King, 2000). بدیهی است شناسایی و رفع مشکلات مربوط به خودکارآمدی پژوهشی باعث ارتقای کیفی خدمات و رشد فناوری و بهره‌وری اقتصادی و تولید ثروت در نظام آموزش می‌شود (Kazemi Vardanjani et al., 2016). بنابراین، حل تنگناها و موانع پیش روی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در امر پژوهش نیازمند شناسایی و درک بازدارنده‌ها و نارسایی‌های موجود است. شناسایی موانع خودکارآمدی پژوهشی در دانشجویان تحصیلات تکمیلی که منبع غنی اجرای پژوهش در کشور محسوب می‌شوند، در شناسایی ضعف‌ها و مشکلات این دانشجویان در زمینه پژوهش نقش مهمی دارد. همچنین شناسایی موانع دقیق خودکارآمدی پژوهشی به اعضای هیئت علمی در شناسایی میزان اعتماد دانشجویان‌شان به توانایی‌های خود در انجام دادن پژوهش کمک می‌کند و شناسایی نقاط قوت و ضعف آن‌ها را در اجرای پژوهش و هدایت آموزشی، پژوهشی و شغلی و نیز ارزیابی توانایی حرفه‌ای آن‌ها را تسهیل می‌سازد (Black et al., 2004; Forester et al., 2013). بنابراین، اگر موانع خودکارآمدی پژوهشی این قشر از جامعه بررسی شود، آسیب‌های ناشی از ناتوانی در انجام دادن پژوهش که گریبانگیر دانشجویان است، شناسایی می‌شود و دانشگاه‌ها می‌توانند با در نظر گرفتن برنامه‌هایی در رفع این آسیب‌ها به دانشجویان یاری رسانند. آگاهی استادان و مربیان از موانع خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان نیز می‌تواند نقش بسزایی در تربیت دانشجویان پژوهشگر داشته باشد. دانشجویان مورد مطالعه در این پژوهش دانشجویان رشته کشاورزی بودند که می‌توانند در آینده هم از نظر فردی برای راه‌اندازی کسب و کار و پیشرفت شخص از توانایی‌های خود استفاده کنند و هم از نظر اجتماعی به‌عنوان طلایه‌داران عرصه صنعت و کشاورزی نقش بسزایی در تولیدات کشور ایفا کنند. متأسفانه، ضعف‌ها و نواقص در خصوص این موضوع به‌عنوان مسئله‌ای که کمتر مورد توجه قرار گرفته، در میان بسیاری از دانشجویان به فراوانی قابل مشاهده است. بنابراین، اهمیت این تحقیق از این نظر است که می‌تواند پاسخگوی بسیاری از مسائل و مشکلات انگیزشی دانشجویان در اجرای پژوهش و همچنین کمک بزرگی برای اعضای هیأت علمی به‌منظور شناسایی نقاط قوت و ضعف دانشجویان‌شان در انجام دادن پژوهش باشد.

پیشینه پژوهش

سنجش خودکارآمدی پژوهشی به‌طور عام و شناسایی چالش‌های خودکارآمدی پژوهشی به‌صورت خاص در دانشجویان تحصیلات تکمیلی که قسمت اعظم فعالیت‌های تحقیقاتی و جنبه عمده اجرای پژوهش در کشور به حساب می‌آیند، در شناخت کاستی‌ها و نواقص و مشکلات آن‌ها در عرصه پژوهش اهمیت بالایی دارد. ارزیابی دقیق خودکارآمدی پژوهشی بر شناخت میزان اطمینان دانشجویان به توانایی‌های خود برای اجرای پژوهش، به اعضای هیئت علمی کمک می‌کند و از طرفی، ارزیابی و شناخت توانایی‌ها و نواقص آن‌ها در اجرای پژوهش و همچنین توانایی‌های حرفه‌ای آن‌ها را ساده‌تر می‌کند (Black et al., 2013). ارزیابی خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان موجب خواهد شد تا دانشجویانی که برای انجام دادن فعالیت‌های پژوهشی توان‌تر و مناسب‌تر هستند، انتخاب شوند و در نتیجه، با پیشبرد مناسب‌تر و سریع‌تر جریان پژوهش از هدررفت منابع نیز به علت انتخاب افراد شایسته ممانعت به عمل آید (Roshniyan Ramin & Aghazadeh, 2013). بنابراین، بررسی خودکارآمدی پژوهشی و شناسایی موانع آن به‌دلیل تأثیر بر اجرای موفقیت‌آمیز پژوهش و دنبال کردن آن در دانشجویان تحصیلات تکمیلی



اهمیت می‌یابد و به دانشجویان در کشف نقاط قوت و ضعف خود در خصوص مرحله اجرای پژوهش و تحقیق کمک می‌کند (Forester et al., 2004). با وجود ضرورت مسئله تحقیق در زمینه واکاوی چالش‌ها و موانع خودکارآمدی پژوهشی در میان تحصیلات تکمیلی، تحقیقاتی به صورت اختصاصی صورت نگرفته، ولی به صورت کلی مطالعات مختلف درباره خودکارآمدی پژوهشی در داخل و خارج از کشور به ثبت رسیده که در ادامه به آن‌ها اشاره شده است.

بر اساس نتایج مطالعه کارشکی و بهمن‌آبادی (Karsheki & Bahmanabadi, 2012) با عنوان "ارزیابی مؤلفه‌ها و ساختار عاملی خودکارآمدی پژوهشی در دانشجویان تحصیلات تکمیلی"، دانشجویان در بعضی مهارت‌ها مانند درجه خودکارآمدی پژوهشی، انجام دادن وظایف ابتدایی پژوهش و قدرت مشارکت در پژوهش، دارای حد متوسطی از توانایی هستند و در زمینه توانایی اجرای پژوهش و توانمندی در تحلیل و ارائه نتایج پژوهش سطح بالایی از توانایی را نشان دادند. همچنین تفاوت معناداری میان مؤلفه‌های خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان مشاهده شد. بین دانشجویان دانشکده‌های مختلف از جنبه توانایی انجام دادن وظایف اولیه پژوهش، اجرای پژوهش و توانمندی تحلیل و ارائه نتایج پژوهش تفاوت معناداری وجود داشت.

روشنیان رامین و آقازاده (Roshniyan Ramin & Aghazadeh, 2013) در پژوهش خود در بررسی خودکارآمدی پژوهشی در میان دانشجویان کارشناسی ارشد روانشناسی و علوم تربیتی، خودکارآمدی پژوهشی را بر چهار قسم شامل مهارت‌های پژوهش عملی، مهارت نوشتن، مهارت‌های مربوط به طراحی پژوهش و مهارت‌های رایانه‌ای تقسیم کردند و نتیجه گرفتند که مهارت‌های دانشجویان در سه مورد ابتدایی بالا و در مورد آخر؛ یعنی مهارت‌های رایانه‌ای در حد پایینی قرار دارد. از جمله عوامل مؤثر بر این امر نبود آموزش این‌گونه مهارت‌ها به دانشجویان ارشد کنونی در نظام آموزشی زمان تحصیلات آنان در مدرسه است که باعث شده است بسیاری از این افراد با رایانه آشنایی ابتدایی داشته باشند و در برخی موارد دانشجویان مهارت جست‌وجوی صحیح مطالب در وب را ندارند و حتی برخی از آنها حاضرند پروژه‌ها و کارهای خود را به روش سنتی و بدون کمک گرفتن از رایانه انجام دهند، از ترس اینکه مبدا خود را با نرم‌افزارهای رایانه‌ای درگیر کنند.

شفیعی و همکاران (Shafiei et al., 2017) در مطالعه‌ای با عنوان "خودکارآمدی پژوهش و خودکارآمدی تصمیم‌گیری حرفه‌ای دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز" به این نتیجه رسیدند که از پیش‌نیازهای اصلی تصمیم‌گیری حرفه‌ای، خودکارآمدی پژوهشی است. بر اساس مدل تبیین شده، هر چه برنامه درسی، مهارت‌های پژوهشی دانشجویان در تحلیل، تلفیق، گردآوری و گزارش‌دهی را بیشتر افزایش دهد، احساس خودکارآمدی آنان افزایش می‌یابد و در نتیجه، آنان با افزایش احساس خودکارآمدی، برای تصمیم‌گیری در مسیر توسعه حرفه‌ای موفق‌تر عمل می‌کنند و تصمیم‌گیری عقلانی‌تری خواهند داشت. بر این اساس، در برنامه‌های درسی رشته‌های علوم پزشکی باید بر توسعه مهارت‌های پژوهشی دانشجویان تأکید ویژه‌ای بشود تا آنها بتوانند در موقعیت‌های ویژه شغلی و حرفه‌ای خود، با استفاده از جدیدترین یافته‌های مستند پژوهشی خود، عقلایی‌ترین تصمیمات را اتخاذ کنند.

ویلدور (Wildauer, 2017) در پژوهش خود با عنوان "بازتاب خودکارآمدی تحصیلی، چگونگی تأثیر رفتار معلم بر خودکارآمدی در کلاس درس" را بررسی کرد. در این پژوهش او میان تفسیر دانشجویان از پدیده‌های ارتباطی کلاس درس و خودکارآمدی ناشی از این فرایندهای شناختی تمایز قایل شد و نتیجه گرفت که این فرایندهای شناختی، خودکارآمدی را که توسط شرکت‌کنندگان گزارش شده است، به طور چشمگیر پیش‌بینی می‌کند. آنچه معلمان در کلاس انجام می‌دهند و می‌گویند مهم است، اما نحوه انجام دادن این کار یا گفتن آن نیز با توجه به اهمیت درک دانشجویان برای جلب خودکارآمدی بالای تحصیلی عامل مهمی است که مدرسان باید آن را در نظر بگیرند. تدریس مستلزم درک رابطه بین عواملی است که در محیط کلاس وجود دارد که باعث تقویت یادگیری و یاددهی می‌شود.





پو و عبدالله (Poh & Abdullah, 2019) در مطالعه خود با عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان" به صورت مطالعه موردی در میان دانشجویان دانشگاه مالزی که برای اولین بار به بررسی ساختارهای خاص خودکارآمدی پژوهشی از قبیل درک از محیط آموزشی تحقیق، مشاوره تحقیق، علاقه به پژوهش و دانش تحقیق در میان دانشجویان دکترای تخصصی صورت گرفت، دریافتند که اعتقادات مربوط به خودکارآمدی در انزوا شکل نمی‌گیرد، بلکه تحت تأثیر نیروهایی است که بر درک و شدت این اعتقادات تأثیرگذار است. بین محیط آموزشی تحقیق، مربی‌گری پژوهش، علاقه به پژوهش و خودکارآمدی پژوهش رابطه مثبت وجود دارد. همکاری متقابل بین دانشجو و دانشکده مربوط، محیط آموزشی تحقیق، علاقه به پژوهش، حضور در کنفرانس‌های دانشگاهی، انتشار مهارت‌ها و دستاوردهای پژوهشی، وجود مشاوره در تحقیق و دانش پژوهشی دانشجویان در جهت تقویت فعالیت و بهبود خودکارآمدی پژوهش مهم هستند.

پژوهش‌های بسیاری به بررسی عوامل مؤثر بر خودکارآمدی پژوهشی و همچنین ارزیابی خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان پرداخته‌اند، اما هیچ‌کدام از این تحقیقات به بررسی موانع و چالش‌هایی که باعث شده است تا دانشجویان اشتیاق کمتری به پژوهش و تحقیق داشته باشند یا کیفیت فعالیت‌های پژوهشی در سطح مورد انتظار نباشد یا به عبارتی، سطح خودکارآمدی پژوهشی در دانشجویان را اندک نگاه دارند، به صورت ویژه نپرداخته‌اند. هرکدام از این تحقیقات از روش‌شناسی‌های مختلفی بهره گرفته‌اند و موقعیت‌ها و جوامع هدف این تحقیقات با هم تفاوت داشته است. از طرف دیگر، عوامل شناسایی شده بسیار پراکنده و وابسته به زمان، مکان و موقعیت اجرای پژوهش بوده‌اند. این موضوع از قابلیت کاربرد نتایج تحقیقات در موقعیت‌های متفاوت از زمینه مورد بررسی می‌کاهد. لذا، در تحقیق حاضر با کاربرد روش‌شناسی کیفی نظریه‌ی مبنایی تلاش شد تا چالش‌ها و موانع خودکارآمدی پژوهشی در میان دانشجویان دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان متناسب با موقعیت و زمینه فرهنگی آن واکاوی شود.

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر دیدمان در گروه تحقیقات کیفی قرار می‌گیرد و از بعد روش از نظریه بنیانی بهره برده است. نظریه بنیانی روش و فرایندی را برای تجزیه و تحلیل داده‌های خام و تبیین نظریه‌ها ارائه می‌دهد. بر مبنای این رویکرد، محققان به‌طور ساختارمند داده‌های تجربی را تجزیه و تحلیل می‌کنند و بر مبنای این تحلیل‌ها، مفهومی‌ها و نظریه‌هایی را تبیین می‌کنند (Liu et al., 2019). طبق نظریه گلاسر داده‌های مورد استفاده در نظریه باید تجربی باشد؛ بدین معنا که محقق شخصاً و به‌صورت عینی و تجربی درگیر عملیات گردآوری اطلاعات باشد. برای پاسخ‌دهی به سؤالات پژوهش، به اجرای مصاحبه‌های نیمه ساختارمند با افراد نمونه پژوهش اقدام شد. فرایند گردآوری داده‌ها تا مرحله اشباع نظری ادامه یافت و بعد از ۲۶ مصاحبه اشباع صورت گرفت. در پژوهش کیفی هنگامی جمع‌آوری داده‌ها متوقف می‌شود که اطلاعات درباره همه دسته‌بندی‌های مد نظر اشباع شود و این امر زمانی رخ می‌دهد که نظریه یا داستان مورد مطالعه کامل شود و اطلاعات جدیدی به دست نیاید. از این رو، در پژوهش کیفی حجم نمونه را مترادف با کامل شدن یا اشباع داده‌ها می‌دانند (Abedi et al., 2006). جامعه آماری پژوهش دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان بودند که به‌دلیل ارتباط فراوان با موضوع اصلی تحقیق؛ یعنی توانایی و خودکارآمدی در زمینه پژوهش انتخاب شدند. نمونه‌گزینی در این روش به‌صورت نمونه‌گزینی نظری بود، بدین صورت که گام‌به‌گام در حین جمع‌آوری اطلاعات، نتایج تحلیل و سؤالاتی با توجه به نتایج هر مرحله برای مشارکت‌کننده بعدی آماده شد. این مراحل تا زمانی که به اشباع رسید و از پاسخگویان مطالب جدیدی دریافت نشد، ادامه داشت. در واقع، به این دلیل که در این روش اشباع شدن اطلاعات اهمیت بیشتری از تعداد افراد مورد مطالعه دارد، تعداد مشارکت‌کننده از قبل تعیین نشده است. در بحث سنجش اعتبار و روایی سؤال‌های مصاحبه، سؤالات پس از طراحی توسط ۵ تن از استادان متخصص در حوزه مربوط اصلاح و تأیید شد. برای ثبت مصاحبه‌ها، همه



مکالمات انجام شده به صورت صوتی ضبط شد. سپس مصاحبه‌های ضبط شده توسط پژوهشگر با دقت گوش داده و کلمه به کلمه نوشته شد. مصاحبه‌ها به گونه‌ای طراحی شده بودند که بحث و تبادل نظر بین مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده در جریان باشد و ابهامات موجود در زمان مصاحبه با دریافت تأیید از مصاحبه‌شونده از طرف محقق برطرف شود. پس از ثبت تمام کلمات مصاحبه توسط تیم تحقیق برخی از متون نیز برای تأیید به پاسخگویان ارسال شد و به تأیید آنان رسید. تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش بر اساس دستورالعمل‌های استراس و کوربین انجام شد. این شیوه شامل سه مرحله اصلی کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی است. در مرحله کدگذاری باز کلیدی‌ترین واژه‌هایی که بار معنایی بالایی دارند، استخراج می‌شوند. در مرحله کدگذاری محوری سعی می‌شود کدهای تکراری حذف شود و کدهایی که دارای معنای مشترک هستند، در یک طبقه قرار گیرند. در مرحله کدگذاری گزینشی کدهایی که در مرحله کدگذاری محوری به دست آمده‌اند، از نظر اشتراک معنایی بررسی و سپس در قالب مقوله دسته‌بندی می‌شوند. برای اعتباریابی، یافته‌های حاصل از کدگذاری و تحلیل، از معیارهای بازبینی محقق و نظر متخصصان استفاده شد. بدین منظور پس از بررسی، نگارش و کدگذاری اطلاعات حاصل از پژوهش در اختیار ۵ نفر از دیگر استادان که در حوزه‌های پژوهشی فعال بودند، قرار داده شد تا صلاحیت و انطباق کدگذاری‌ها بررسی شود.

جدول ۱

مشخصات پاسخگویان در پژوهش

مقطع تحصیلی	رشته تحصیلی	تعداد	پسر	دختر	میانگین سن
دکتری	علوم دامی	۳	۱	۲	۲۶/۷
	ترویج و آموزش کشاورزی	۴	۲	۲	۳۱
	علوم و مهندسی خاک	۲	۱	۱	۲۶/۵
	ماشین‌های کشاورزی و مکانیزاسیون	۲	۰	۲	۳۴
	تولید و ژنتیک گیاهی	۱	۱	۰	۲۹
کل		۱۲	۵	۷	۲۹/۴
کارشناسی ارشد	مهندسی اقتصاد کشاورزی	۲	۱	۱	۲۵/۵
	علوم و مهندسی خاک	۱	۱	۰	۲۵
	مهندسی ترویج و آموزش کشاورزی	۴	۳	۱	۲۸/۲
	مهندسی علوم دامی	۳	۱	۲	۳۰/۳
	علوم و مهندسی باغبانی	۲	۰	۲	۲۴
	ماشین‌های کشاورزی و مکانیزاسیون	۲	۱	۱	۲۶
کل		۱۴	۷	۷	۲۷/۱

یافته‌ها و بحث

در تحلیل مرحله‌ای یافته‌ها با استفاده از روش‌های تحلیلی استراس و کوربین مفاهیم به‌عنوان واحد تحلیل در سطوح متن کل مصاحبه، پاراگراف، عبارت و جملات مورد توجه قرار گرفتند و با تفکیک متن مصاحبه به عناصر دارای پیام در داخل خطوط یا پاراگراف‌ها تلاش شد تا کدهای باز استخراج شوند.



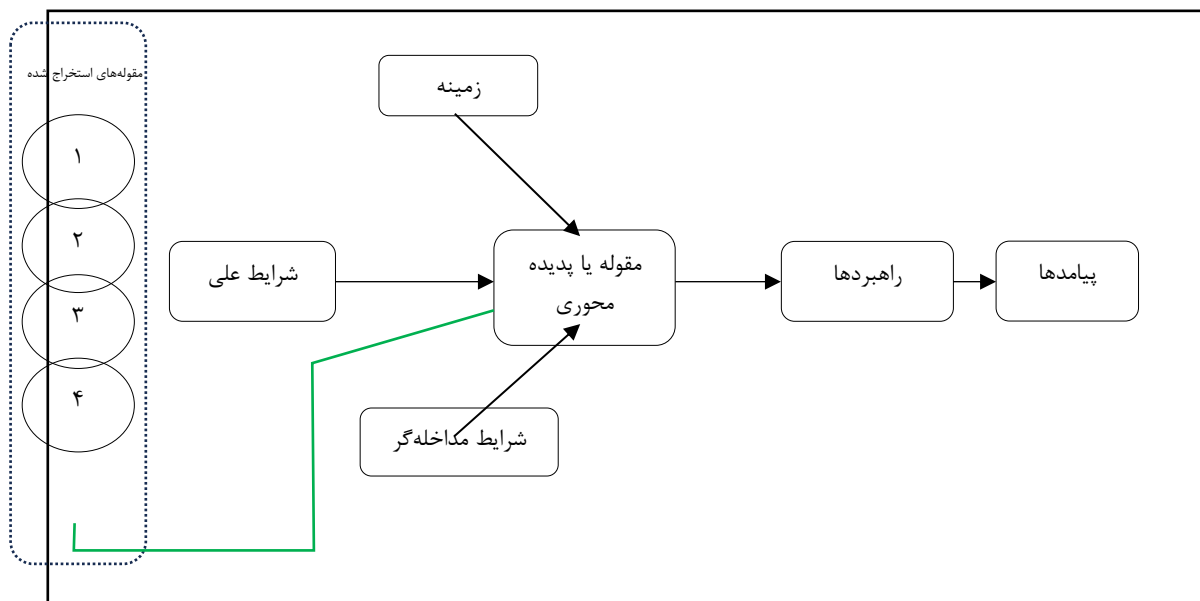
کدگذاری باز: در این پژوهش نکات کلیدی با استفاده از روش کدگذاری استخراج شد. بدین صورت که محقق در ابتدا از میان پاسخ‌های دانشجویان نکاتی همراستا و همسو را در کنار هم قرار داده و به‌عنوان یک کد تعریف کرده است. درواقع، این کدها که به‌عنوان کدگذاری باز شناخته می‌شود، نشان‌دهنده نکاتی است که ممکن است از طرف یک یا چند پاسخگو بدان اشاره شده باشد.

کدگذاری محوری: از میان کدهای به‌دست آمده در مرحله اول که در این مطالعه به ۸۰۸ کد رسیدند، محقق آنها را دسته‌بندی کرد. این دسته‌بندی بر اساس مشابهت از نظر مفهوم و هر عاملی که باعث شود چند کد در کنار هم در یک دسته قرار گیرند، صورت پذیرفته است. به عبارتی، در این مرحله محورهایی به‌دست آمده است که مستخرج از کدهای تعریف شده در مرحله قبل است. در این مطالعه در مرحله کدگذاری محوری ۱۵ کد تعریف شد.

کدگذاری انتخابی: طی این مرحله از کدگذاری، مقوله‌های مستخرج از کدگذاری محوری در پنج دسته شامل شرایط علی، مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای، راهبردها (کنش‌ها یا واکنش‌ها) و پیامدها قرار گرفته که در ادامه تشریح شده‌اند.

شکل ۱

چارچوب نظری تحقیق (بر اساس مدل پارادایمی استراوس و کوربین، ۱۹۹۸)



شرایط علی

یکی از بخش‌های اصلی نظریه زمینه‌ای کشف شرایط علی است که به معنای حوادث، وقایع و اتفاق‌هایی است که به وقوع یا گسترش پدیده منجر می‌شود. شرایط علی شامل عامل‌هایی است که مقوله اصلی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در زیرمجموعه شرایط علی، دسته‌ای از عوامل قرار می‌گیرند که در جلوگیری از به وجود آمدن یا تقویت خودکارآمدی پژوهشی نسبت به سایر عوامل تأثیر بیشتری دارند. به عبارتی، با وجود این عوامل می‌توان انتظار داشت که خودکارآمدی پژوهشی در دانشجویان در حد کم و ناچیزی بروز پیدا کند. درواقع، می‌توان این عوامل را مانع اصلی رشد و تقویت ویژگی‌های رفتاری از جمله خودکارآمدی پژوهشی در نظر گرفت.



در پاسخ‌های دانشجویان عوامل متعددی مطرح شد که هر کدام به نوبه‌ی خود مانعی بر سر راه خودکارآمدی پژوهشی هستند و از بهبود آن جلوگیری می‌کنند. این عوامل می‌توانند از درون شخص نشئت بگیرند یا از پیرامون وی تأثیر بپذیرند. در این خصوص پس از بررسی پاسخ‌های دانشجویان عوامل فردمحور، عوامل دانشگاه‌محور و عوامل محیط‌محور به‌عنوان سه محور اصلی بازدارنده در زمینه خودکارآمدی پژوهشی استخراج شدند.

عواملی مانند احساس بیهودگی و ناتوانی، نبود قدرت خودسنجی، ناتوانی در تعیین هدف، خودتنظیمی و خودرهبری، کشف نشدن استعدادها، نبود روحیه همکاری و مشارکت، کمبود اعتماد به نفس، نداشتن انگیزه و غیره از جمله عوامل فردی هستند که به‌عنوان بازدارنده‌های خودکارآمدی پژوهشی از طرف دانشجویان مطرح شده‌اند. برای مثال، یکی از پاسخ‌ها بدین گونه بوده است:

"احساس می‌کنم برای انجام یک پروژه تحقیقاتی باید ذهن خلاق و قدرتمندی داشت و از ابتدا اهداف و مسیر را به خوبی مشخص کرد و توان انجام این کار را در خود نمی‌بینم".

درواقع، در صورتی که فرد از درون خود آغاز و برخی ویژگی‌های شخصیتی و روانی را در خود شناسایی و در جهت رفع یا تغییر رفتار نادرست خود حرکت کند، در نهایت می‌توان انتظار داشت که برخی از اصلی‌ترین علت‌های ضعف در خودکارآمدی به‌طور عام و خودکارآمدی پژوهشی به‌طور خاص برطرف شوند. البته، این فرایند زمانبر و لازم است تا فرد با پشتکار فراوان و با هدفگذاری جدی در این راه پای بگذارد. همچنین مسلم است که بسیاری از این ویژگی‌های رفتاری شخصیتی متأثر از خانواده و دوستان است و ریشه در کودکی فرد دارند و برخی از آنان نیز به جنبه‌های ژنتیکی و وراثتی مرتبط هستند. لذا، تغییر این‌گونه عادات رفتاری و ویژگی‌های شخصیتی زمان زیادی را می‌طلبد.

عواملی مانند نبود آموزش‌های مقاله‌نویسی، پژوهشگری و گزارش‌نویسی، نقش ضعیف و ناخودکارآمدی تدریس استادان راهنما، بی‌توجهی به جنبه عملیاتی در پژوهش، ارتباط نامناسب استاد و دانشجو، توجه نکردن به پرورش روحیه پژوهشگری، محدودیت روش‌های اجرای پژوهش و کسب موفقیت‌های تحصیلی محدود نیز به دانشگاه محل تحصیل دانشجویان مرتبط هستند. نمونه‌ای از پاسخ دانشجویان بدین شرح بوده است:

"در دانشگاه‌ها موضوعات پژوهشی و وظایف پژوهشی به دانشجویان واگذار می‌شود، اما توجهی به این موضوع نمی‌شود که دانشجو باید قبل از هر چیز نحوه تحقیق و قواعد آن را بیاموزد".

به عبارتی، در صورت فراهم آوری برخی آموزش‌ها و تغییر برخی دیدگاه و همچنین ایجاد ارتباط مثبت و انگیزه بخش میان دانشجویان و استادان راهنما که ایجاد آن‌ها همگی در محیط آکادمیک امکان‌پذیر است، می‌توان انتظار داشت خودکارآمدی پژوهشی در دانشجویان تقویت شود و آنان بتوانند در ابعاد گسترده‌تر و با فراغ بال بیشتر به نشان دادن توانایی‌ها و استعدادها خود بپردازند. در کنار این عوامل، می‌توان سرگرمی‌ها و مشغله‌های بیهوده اما جذاب، شکست‌های خود یا اطرافیان، انتخاب اشتباه دوستان، اشراف نداشتن به ابعاد متفاوت (قانونی،...)، نبود تجربه پژوهشی و اشخاص باتجربه، مبهم بودن آینده شغلی و زندگی، بی‌توجهی به کیفیت پژوهش و ارتباط با نیاز جامعه، ترس از خدمت سربازی و مدرک‌گرایی را به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر خودکارآمدی پژوهشی دانست که از محیط زندگی و رشد فرد سرچشمه گرفته‌اند. همان‌طور که یکی از دانشجویان چنین بیان کرده است:

"سر درگم هستم و نمی‌دانم آیا مدت تحصیلی من تأثیر مثبتی در آینده من خواهد داشت؟ آیا شغل مناسبی پیدا خواهم نمود؟ نمی‌دانم یا ارزشش را دارد که تمام وقت خود را صرف مطالعه و تحقیق کنم".





این عوامل، بیشتر به جامعه، خانواده و محیط زندگی فرد وابسته است و برای تغییر در وضعیت خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان فرهنگ‌سازی و تصمیم‌های گسترده‌تری را می‌طلبد. شرایط علی مؤثر در به وجود آمدن موانع خودکارآمدی پژوهشی در میان دانشجویان در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲

شرایط علی موانع خودکارآمدی پژوهشی در میان دانشجویان

ردیف	فراوانی	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
۱	۵	احساس بیهودگی و ناتوانی	عوامل فرد محور	شرایط علی
۲	۸	فقدان قدرت خودسنجی، خود تنظیمی و خود رهبری		
۳	۳	عدم کشف استعدادها		
۴	۳	فقدان روحیه همکاری و مشارکت		
۵	۹	اعتماد به نفس پایین		
۶	۲۴	داشتن انگیزه پایین		
۷	۲	ضعف در آمار		
۸	۴	نداشتن قدرت تحلیل نتایج		
۹	۵	عدم توانایی در طراحی پژوهش		
۱۰	۵	اعتقاد ضعیف به شایستگی و توانمندی خود		
۱۱	۸	ناتوانی در انجام پژوهش و مدیریت داده‌ها		
۱۲	۹	عدم توانایی در فراهم‌سازی فرصت پیشرفت		
۱۳	۹	ضعف در هدف‌سازی و تعیین مسیر رسیدن به آن		
۱۴	۶	بی‌علاقگی و اجبار تکلیف		
۱۵	۳	مشغله‌های فکری و کاری		
۱۶	۷	ترس از شکست و غرق شدن در تردیدها و عدم ریسک		
۱۷	۸	ویژگی‌های شخصیتی و عاطفی		
۱۸	۱۱	ناتوانی در تعیین هدف		
۱۹	۳	نگاه به تکالیف دشوار به عنوان چالش		
۲۰	۳	استفاده نکردن درست از وقت		
۲۱	۹	نبود آموزش‌های مقاله‌نویسی	عوامل دانشگاه محور	
۲۲	۹	نبود آموزش‌های پژوهشگری		
۲۳	۲	نبود آموزش‌های گزارش نویسی صحیح		
۲۴	۱۶	نقش ضعیف استادان راهنما		
۲۵	۴	ناخودکارآمدی تدریس استادان		
۲۶	۱۱	عدم توجه به جنبه عملیاتی در پژوهش		
۲۷	۶	ارتباط نامناسب استاد و دانشجو		
۲۸	۳	عدم توجه به پرورش روحیه پژوهش		
۲۹	۴	محدودیت روش‌های اجرای پژوهش		
۳۰	۲	کسب موفقیت‌های تحصیلی محدود		
۳۱	۵	سرگرمی‌ها و مشغله‌های بیهوده اما جذاب	عوامل محیط محور	
۳۲	۶	شکست‌های خود یا اطرافیان		
۳۳	۶	انتخاب اشتباه دوستان		
۳۴	۲	عدم اشراف به ابعاد متفاوت (قانونی،...)		
۳۵	۶	فقدان تجربه پژوهشی و اشخاص باتجربه		
۳۶	۹	میهم بودن آینده شغلی و زندگی		
۳۷	۸	عدم توجه به کیفیت پژوهش و ارتباط با نیاز جامعه		
۳۸	۲	ترس از خدمت سربازی		
۳۹	۴	مدرک‌گرایی		



شرایط زمینه‌ای

زمینه‌ها و بسترهای حاکم در هر جامعه بر ابعاد متفاوت زندگی افراد آن جامعه تأثیرگذار است. قوانین، منابع و فرهنگ می‌توانند بر یکایک سیستم‌ها و حرکات درون یک جامعه اثرگذار باشند. در پژوهش حاضر یک ویژگی و درواقع، یک توانایی در دانشجویان بررسی شده است که می‌تواند تحت تأثیر عوامل متفاوتی بهبود یابد یا حتی تقلیل برود. در این پژوهش بر اساس گفته‌های دانشجویان شرایط زمینه‌ای که بستر لازم برای جلوگیری از ارتقا و تقویت خودکارآمدی را به وجود می‌آورند، به دو دسته درون‌دانشگاهی و برون‌دانشگاهی تقسیم شدند.

عوامل درون‌دانشگاهی: وجود امکانات آموزشی- پژوهشی متعدد می‌تواند نه در تنها در بهبود خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان، بلکه در تقویت انگیزه‌های دانشجویان و استادان نیز مؤثر باشد. عواملی مانند بودجه، امکانات، ظرفیت دانشگاه‌ها، کمبود تجهیزات و امکانات و فضا، نبود دستگاه‌های پیشرفته و بروز، نگاه دانشگاه به پژوهش و آموزش و غیره می‌توانند در شکل‌گیری و بهبود خودکارآمدی پژوهشی در دانشجویان تأثیرگذار باشند. در عین حال، نبود این امکانات و این شرایط می‌تواند اثر عکس دارد و از رشد و شکوفایی استعدادها که با خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان ارتباط مستقیم دارد، جلوگیری کند. اساساً وجود امکانات آموزشی- پژوهشی فقط یک جنبه برای انجام دادن فعالیت‌های پژوهشی و گسترش آن است. شاید از آن مهم‌تر، انگیزش‌ها و علاقه‌مندی‌های کنشگران دانشگاهی از قبیل استادان و حتی کارمندان باشد. به گفته یکی از دانشجویان:

"در دانشگاه امکاناتی مانند تعداد سیستم بالا برای استفاده دانشجویان وجود ندارد یا در آزمایشگاه‌ها تجهیزات جدید وجود ندارد و اگر هم موجود باشد، به دلیل هزینه بالا و گران‌قیمت بودن برای استفاده از آن محدودیت‌های فراوانی وجود دارد. بسیاری از مواقع ما به دلیل تعطیلی مجبور هستیم کارهای تحقیقاتی را دو یا سه روز به تعویق بیندازیم".

عوامل برون‌دانشگاهی: عواملی مانند تأثیر فرهنگ و آداب و رسوم، محدودیت‌های ناشی از خط مشی‌ها و مقررات، نقش کمرنگ بنیاد نخبگان، پارک علم و فناوری، مراکز رشد و غیره، تأثیر ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه، ضعف در زیر ساخت‌های پژوهشگری، کاهش ارزش علم در جامعه، عدم باور مسئولان به اهمیت و تأثیر پژوهش در پیشرفت و توسعه کشور که متأسفانه، هنوز تا حد زیادی در کشور ما قابل مشاهده‌اند، از جمله عواملی هستند که از پاسخ‌های دانشجویان به‌عنوان بازدارنده‌های ایجاد و تقویت خودکارآمدی پژوهشی استخراج شده‌اند. یکی از دانشجویان چنین بیان کرده است:

"در جامعه ما متأسفانه، تخصص و علم هیچ تأثیری در شغل و موقعیت اجتماعی ندارد. بسیاری از دوستان من تا مقطع دکتری تحصیل کرده‌اند و اکنون یا بیکار مانده‌اند و یا در حال راه‌اندازی مشاغل کم ارزش می‌باشند. بنابراین با دیدن این مشکل بزرگ می‌توان نتیجه گرفت که تحصیلات آکادمیک تنها باعث عقب افتادگی مالی و فشار روانی خواهد شد" (جدول ۳).

جدول ۳

شرایط زمینه‌ای مؤثر در به وجود آمدن موانع خودکارآمدی پژوهشی در میان دانشجویان

ردیف	فراوانی	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
۱	۵	دیدگاه آموزشی برتر نسبت به پژوهش	درون دانشگاه	شرایط زمینه‌ای
۲	۴	افزایش ظرفیت دانشگاه‌ها		
۳	۲	عدم حفظ استقلال دانشگاهی		
۴	۶	نبود انگیزش و علاقه‌مندی استادان		
۵	۷	نقش کمرنگ وزارت علوم توجه به جایگاه پژوهش		
۶	۴	ارتباط نامناسب بخش‌های مختلف دانشگاه		



کمبود تجهیزات و امکانات و فضا	۱۲	۷
عدم وجود دستگاه‌های پیشرفته و بروز	۲	۸
فقدان بودجه کافی برای انجام پژوهش‌ها	۱۶	۹
اولویت ندادن دانشگاه به بهبود وضعیت پژوهش	۵	۱۰
تأثیر فرهنگ و آداب و رسوم هر منطقه	۳	۱۱
محدودیت‌های ناشی از خط مشی‌ها و مقررات	۶	۱۲
نقش کم‌رنگ بنیاد نخبگان، پارک علم و فناوری، مراکز رشد و غیره	۸	۱۳
تأثیر ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه	۲	۱۴
ضعف در زیر ساخت‌های پژوهشگری	۱۵	۱۵
کاهش ارزش علم در جامعه	۳	۱۶
عدم باور مسئولین به اهمیت و تأثیر پژوهش	۳	۱۷

شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر شرایط کلی و وسیعی هستند که بر چگونگی کنش متقابل و راهبردهای پیشنهادی اثر می‌گذارند. می‌توان اظهار داشت که شرایط مداخله‌گر شامل شرایط محیطی است که راهبردها و شرایط علی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در زمینه خودکارآمدی پژوهشی شرایط مداخله‌گر به دو دسته شخصی و دانشگاهی تقسیم‌بندی شدند.

شخصی: همان‌طور که در **جدول ۴** مشاهده می‌شود، عواملی مانند نگرش منفی دانشجو، مقایسه خود با اطرافیان و میزان آشنایی به زبان انگلیسی در زمره عوامل شخصی قرار گرفته‌اند. دیدگاه منفی و اعتقاد نداشتن به توانایی‌های خود یا مقایسه خود با دیگران می‌تواند زمینه‌ساز سرشکستگی و ناامیدی شخص بشود و مانعی برای تقویت خودکارآمدی پژوهشی در وی باشد. همچنین در کنار عوامل گوناگونی که به بهبود خودکارآمدی پژوهشی کمک می‌کنند، میزان آشنایی به زبان انگلیسی می‌تواند در راستای ترجمه متون لاتین، گردآوری مطالب بیشتر یا حتی برقراری ارتباط با دانشجویان کشورهای دیگر یا شرکت در همایش‌ها و سمینارهای بین‌المللی و غیره باعث بالا بردن کیفیت دستاوردهای پژوهشی شود و ضمن بالا بردن مهارت‌ها و اعتماد به نفس احساس بهتری را در شخص نسبت به خود به وجود آورد؛ برعکس، نبود تسلط بر زبان لاتین می‌تواند دانشجویان را در انجام دادن تکالیف و تهیه متون با مشکل مواجه سازد و آنها در پی کاهش کیفیت دستاوردهای پژوهشی اعتماد به نفس خود را از دست بدهند. درواقع، خودکارآمدی پژوهشی آنان تقلیل می‌یابد و بهبود آن ممکن است سال‌ها زمان لازم داشته باشد. نمونه‌ای از پاسخ‌ها به این شرح بوده است:

"در کارهای تحقیقاتی استفاده از منابع لاتین بسیار با اهمیت است و بعضی از استادان به میزان کاربرد جملات ترجمه شده به عنوان ارزش متن نگاه می‌کنند. بسیاری از دانشجویان در زمینه زبان انگلیسی ضعیف بوده و همین موضوع سختی کارهای پژوهشی را برای آنان چند برابر می‌کند."

دانشگاه: از طرف دیگر، برخی عوامل وجود دارند که از حیطة اختیارات شخص خارج هستند و فقط به دلیل حضور شخص در آن محیط است که به عنوان عوامل مداخله‌گر در جلوگیری از رشد خودکارآمدی پژوهشی شناخته می‌شوند. برای مثال، با توجه به **جدول ۴**، جو حاکم بر دانشکده مرتبط با هر رشته، تعداد زیاد دانشجویان، نبود ارتباط سازنده بین دانشگاه‌ها و سازمان‌ها، فاصله از شهر و امکانات، جایگاه کم‌رنگ مدیریت مجازی- تحلیل محتوا، نبود اینترنت با سرعت مناسب و مداوم، نبود امکان فعالیت تعاونی‌های کوچک دانشجویی، نبود حمایت دست‌اندرکاران دانشگاهی، نبود سرمایه و مسائل مالی و حمایت‌های مالی دانشگاه و مؤسسات دیگر، هزینه‌های پژوهش و غیره در این زمره قرار می‌گیرند. برای مثال، یکی از پاسخگویان اشاره کرد:



"هر سال تعداد دانشجویان ورودی نسبت به سال قبل بیشتر می‌شود. گرایش‌های جدی ایجاد شده و تعداد دانشجویان بدون توجه به امکانات موجود رو به افزایش است. دانشجو باید بتواند به راحتی از سیستم‌های کامپیوتری و فضاهای آزمایشگاهی استفاده کند نه اینکه برای هر نوبت استفاده از دستگاه‌ها ساعت‌ها یا روزها منتظر باشد".

جامعه: برخی عوامل نیز وجود دارند که نه تنها در دوره تحصیل یک دانشجو، بلکه به‌طور کلی، وجود یا عدم وجود آنان در محیط زندگی وی می‌تواند علاوه بر خودکارآمدی پژوهشی، بر بسیاری عوامل دیگر نیز تأثیر منفی بگذارند که در اینجا تأثیر این عوامل بر خودکارآمدی پژوهشی مد نظر بوده است. وجود قوانین دست و پاگیر در انجام دادن برخی پژوهش‌ها، نبود امکانات مرتبط با فعالیت در فضای مجازی، سلسله مراتب اداری، نقش ادارات و دستگاه‌های اجرایی هر استان، نبود متصدیان خبره برای کمک و آموزش دانشجویان، بی‌توجهی و نبود فراخوان‌های پژوهشی سازمان‌های مرتبط و حمایت نکردن از ایده‌ها برخی از این عوامل به‌شمار می‌روند.

"من برای مطلع شدن از فراخوان‌های پژوهشی ارگان‌های مختلف دو ماه زمان صرف کردم. بسیاری از سازمان‌ها حتی برنامه‌ای برای اعلام اولویت‌های پژوهشی نداشتند. برخی بدون کمک هزینه انتظار همکاری داشته یا حتی برخورد مناسبی ندیدم. به همین دلیل به طور کلی از این موضوع صرف نظر کردم".

جدول ۴

شرایط مداخله‌گر در پایداری موانع خودکارآمدی پژوهشی در میان دانشجویان

ردیف	فراوانی	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
۱	۷	نگرش منفی دانشجو	شخص	شرایط مداخله‌گر
۲	۳	مقایسه خود با دیگران		
۳	۴	عدم تسلط به زبان لاتین		
۴	۲	جو حاکم بر دانشکده مرتبط با هر رشته	دانشگاه	
۵	۵	تعداد زیاد دانشجویان		
۶	۱۴	نبود ارتباط سازنده بین دانشگاه‌ها و سازمان‌ها		
۷	۵	فاصله از شهر و امکانات		
۸	۴	جایگاه کم‌رنگ مدیریت مجازی- تحلیل محتوا		
۹	۸	نبود اینترنت با سرعت مناسب و مداوم		
۱۰	۳	عدم امکان فعالیت تعاونی‌های کوچک دانشجویی		
۱۱	۵	عدم حمایت دست‌اندرکاران دانشگاهی		
۱۲	۲۰	نبود سرمایه و مسائل مالی و حمایت‌های مالی دانشگاه و مؤسسات دیگر		
۱۳	۹	هزینه‌های پژوهش		
۱۴	۹	نواقص دسترسی رایگان به کتابخانه، منابع اطلاعاتی، مقالات و پایان‌نامه‌های بین‌المللی		
۱۵	۵	عدم تجهیز کامپیوتر در اتاق‌های دانشجویی		
۱۶	۳	عدم دسترسی دانشجویان به نرم افزارهای مورد نیاز		
۱۷	۴	عدم توجه به بازدید و کارآموزی دانشجویان در محیط واقعی کار		
۱۸	۸	کمبود حضور استادان مدعو و دانشجویان بالاتر یا کارکنان خاص		
۱۹	۱۱	ضعف دانشگاه در تهیه امکانات		
۲۰	۲	نواقص و کیفیت کم سیستم‌های ارزشیابی		
۲۱	۳	عدم ارتباط میان جایگاه و سوابق با اعتبار کار پژوهشی		
۲۲	۵	مشارکت کم دانشجو در طرح‌های پژوهشی		
۲۳	۱۱	نظام تشویق و ترغیب ضعیف		



بی توجهی به انتقال اطلاعات، دانش و تجربیات	۵	۲۴
عدم انتظارات متناسب و معقول از دانشجو	۴	۲۵
وجود قوانین دست و پاگیر در انجام برخی پژوهش‌ها	۵	۲۶
نبود امکانات مرتبط با فعالیت در فضای مجازی	۲	۲۷
سلسله مراتب اداری	۲	۲۸
نقش ادارات و دستگاه‌های اجرایی هر استان	۴	۲۹
نبود متصدیان خبره برای کمک و آموزش دانشجویان	۲	۳۰
بی توجهی و نبود فراخوان‌های پژوهشی سازمان‌های مرتبط	۱۱	۳۱
عدم حمایت از ایده‌ها	۴	۳۲
بی‌ارتباطی تحصیلات و شغل افراد	۶	۳۳
نقش کم‌رنگ شرکت‌های دانش بنیان	۳	۳۴
عدم وجود محیط تحریک کننده و دادن فرصت	۷	۳۵
نبود جشنواره‌ها، دوره‌ها، کارگاه‌های ایده‌پردازی و خلاقیت	۸	۳۶
نقش ضعیف خانواده و دوستان و اقوام و جامعه (باور به شخص)	۱۹	۳۷
نقش ضعیف آموزش و پرورش	۱۰	۳۸

راهبردها

راهبردهای مد نظر در نظریه‌ی داده‌بنیان، به ارائه راه‌حلی‌هایی برای مواجهه با پدیده‌ی مورد مطالعه اشاره دارد. به عبارت دیگر، هدف راهبردها اداره کردن، نحوه‌ی برخورد، به انجام رساندن و حساسیت نشان دادن نسبت به پدیده است (استراس و کوربین، ۱۹۹۰). در این پژوهش سه راهبرد ارائه شد که به شرح زیر است.

تلاش‌های فردی: همان‌طور که در **جدول ۵** مشاهده می‌شود، عواملی مانند عضویت و فعالیت در گروه‌های مختلف، تلاش، استقامت و مطالعه، شرکت در همایش‌ها و سمینارها و تبادل اطلاعات با اطرافیان و دوستان که توسط شخص قابل انجام است، بدون اینکه نقش محیط و جامعه در نظر گرفته شود، می‌تواند بر بهبود خودکارآمدی پژوهشی فرد تأثیرگذار باشد. لذا، به نظر می‌رسد که با توجه به راهبرد فردی که به تصمیم‌گیری و حرکت شخص برای ایجاد تغییرات در رفتار خود اشاره دارد، به‌عنوان مهم‌ترین اقدام عزم و اراده شخص در این خصوص جایگاه ویژه‌ای داشته باشد؛ به عبارت دیگر، مادامی که فرد ضعف‌ها و کاستی‌هایی در رفتار خود درک می‌کند و درواقع، ناخودکارآمدی خود را باور می‌کند، پس از تصمیم‌گیری برای بهبود وضعیت خود باید یک‌سری اقدامات و فعالیت‌ها را جدا از نقش دانشگاه و جامعه از درون خود آغاز کند. بنابراین، راهبردهای پیشنهادی فردی می‌تواند دستور کار مناسبی در این زمینه باشد.

اصلاحات دانشگاهی: دومین مورد از راهبردهای پیشنهادی به اقدامات و فعالیت‌هایی مربوط می‌شود که در درون دانشگاه اتفاق می‌افتد، مانند تعامل و ارتباط میان دانشکده‌ها، ارتباط با استادان سایر دانشگاه‌ها، توسعه امکانات و تسهیل دسترسی دانشجویان و غیره. درواقع، دانشگاه محل تحصیل فرد با فراهم ساختن شرایطی می‌تواند در بروز خودکارآمدی یا بهبود آن در دانشجویان مؤثر واقع شود.

تعامل با فناوری: سومین راهبرد پیشنهادی به ارتباط شخص با شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های جمعی و کاربرد فناوری ارتباط دارد. این عوامل صرف نظر از نقش شخص و دانشگاه می‌تواند در بهبود خودکارآمدی پژوهشی تأثیر فراوانی داشته باشد.

امروزه، شبکه‌های اجتماعی و به‌طورکلی، فضای مجازی جایگاه خود را در همه زمینه‌ها مانند بازار، اقتصاد، سیاست، پزشکی و علمی در میان قشرهای مختلف جامعه به تثبیت رسانده است. ضمن اینکه در دوران شیوع ویروس کووید ۱۹ نیز فضای مجازی در محیط‌های علمی و



دانشگاهی جایگاه مناسب‌تری پیدا کرد. به همین دلیل ارتباط اشخاص با شبکه‌های اجتماعی از بعد تبادل اطلاعات و همچنین اشتراک‌گذاری تجارب می‌تواند زمینه‌ساز الگویابی و تحریک افراد به ایجاد تغییرات در خود باشد.

جدول ۵

راهبردهای بهبود خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان

ردیف	فراوانی	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
۱	۶	عضویت و فعالیت در گروه‌های مختلف	تلاش‌های فردی	راهبردها
۲	۱۱	تلاش و استقامت و مطالعه		
۳	۱۰	شرکت در سمینارها و همایش‌ها		
۴	۸	تبادل اطلاعات با اطرافیان و دوستان		
۵	۵	تعامل و ارتباط میان دانشکده‌ها	اصلاحات دانشگاهی	
۶	۱۳	ارتباط با استادان سایر دانشگاه‌ها		
۷	۹	توسعه امکانات و تسهیل دسترسی دانشجویان		
۸	۱۰	افزایش زمینه‌های قدردانی از پژوهشگران		
۹	۵	توسعه پژوهش‌های کاربردی و کاربرد نتایج		
۱۰	۷	افزایش منابع مالی، امکانات و تسهیلات پژوهشی		
۱۱	۴	اصلاح مدیریت و سیاست‌گذاری در زمینه پژوهش		
۱۲	۱۲	استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی	تعامل با فناوری	
۱۳	۸	استفاده از رسانه‌های جمعی		
۱۴	۱۵	جستجو و جمع‌آوری مطالب در سایت‌های مختلف اینترنتی		

پیامد

مطابق مدل پارادایمی استراوس و کوربین هر انجام یا عدم انجام عمل تعامل معینی در پاسخ موانع موجود یا به‌منظور اداره یا حفظ موقعیتی از سوی فرد یا افرادی انتخاب شود پیامدهای خواسته یا ناخواسته‌ای پدید می‌آید (استراوس و کوربین، ۲۰۱۶). پیامدها نتیجه و حاصل راهبردها در مقابله با پدیده یا جهش اداره و کنترل پدیده هستند. پیامدها در پژوهش حاضر شامل چهار مقوله اصلی اثرهای فردی، شایسته‌گزینی، اشتغال‌زایی و نیروی کار حرفه‌ای و گسترش دانش است (جدول ۶).

اثرهای فردی: خودکارآمدی پژوهشی از جمله ویژگی‌هایی است که علاوه بر موفقیت‌های پی در پی، باعث افزایش کیفیت فعالیت‌های پژوهشی خواهد شد. با بهبود خودکارآمدی پژوهشی در نهایت، اثرهای مثبت در فرد ایجاد می‌شود. برای مثال، اعتماد به نفس شخص افزایش می‌یابد، میل به پیشرفت در او افزون می‌شود و حس استقلال و مسؤلیت‌پذیری در وی گسترش پیدا می‌کند.

شایسته‌گزینی: در نگاه کلی‌تر بهبود خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان که نیروهای متخصص آینده کشور هستند، باعث خواهد شد تا عملکرد پژوهشی در دوران تحصیل و به طبع آن عملکرد علمی و فنی و حتی در دوران پس از تحصیل بهبود پیدا کند. این امر از دو بعد اهمیت دارد: اول اینکه به‌کارگیری چنین افرادی موجب بهبود عملکرد تمام سازمان‌ها می‌شود و دوم اینکه سازمان هنگام استخدام افراد جدید به دنبال افرادی خواهد بود که توانایی‌های علمی و فنی و خودکارآمدی بالایی در زمینه پژوهش و سایر زمینه‌های علمی و فنی داشته باشند و لذا، در آینده بر بهبود فضای علمی، فنی و حتی اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار خواهند بود.





اشتغال‌زایی و نیروی کار حرفه‌ای: افراد دارای خودکارآمدی پژوهشی بالا نه تنها در زمینه پژوهش، بلکه در همه ابعاد تخصصی رشته تحصیلی خود افرادی زبده، علاقه‌مند و کاربلد خواهند بود. این افراد پس از فراغت از تحصیل در انتظار مشاغل دولتی نیستند و به اشتغال‌زایی در حوزه تخصصی خود اقدام خواهند کرد. ضمن اینکه دوستان و اطرافیان آنان نیز با تأثیرپذیری و پیروی از آنان به‌عنوان نیروی کار مشتاق و حرفه‌ای در کنار آنان مشغول به کار خواهند شد.

گسترش دانش: بهبود خودکارآمدی پژوهشی در دانشجویان نباید به‌عنوان یک ویژگی فردی دیده شود. درواقع، اثرهای مثبت و بی‌شمار این امر در جامعه خواه‌ناخواه نمود پیدا خواهد کرد. بهبود نتایج پژوهش‌ها، اشتراک‌گذاری دانش، شناسایی نیازهای جامعه و تأثیر بر حرکت جامعه به سمت توسعه از جمله پیامدهای بهبود خودکارآمدی پژوهشی به‌شمار می‌آیند.

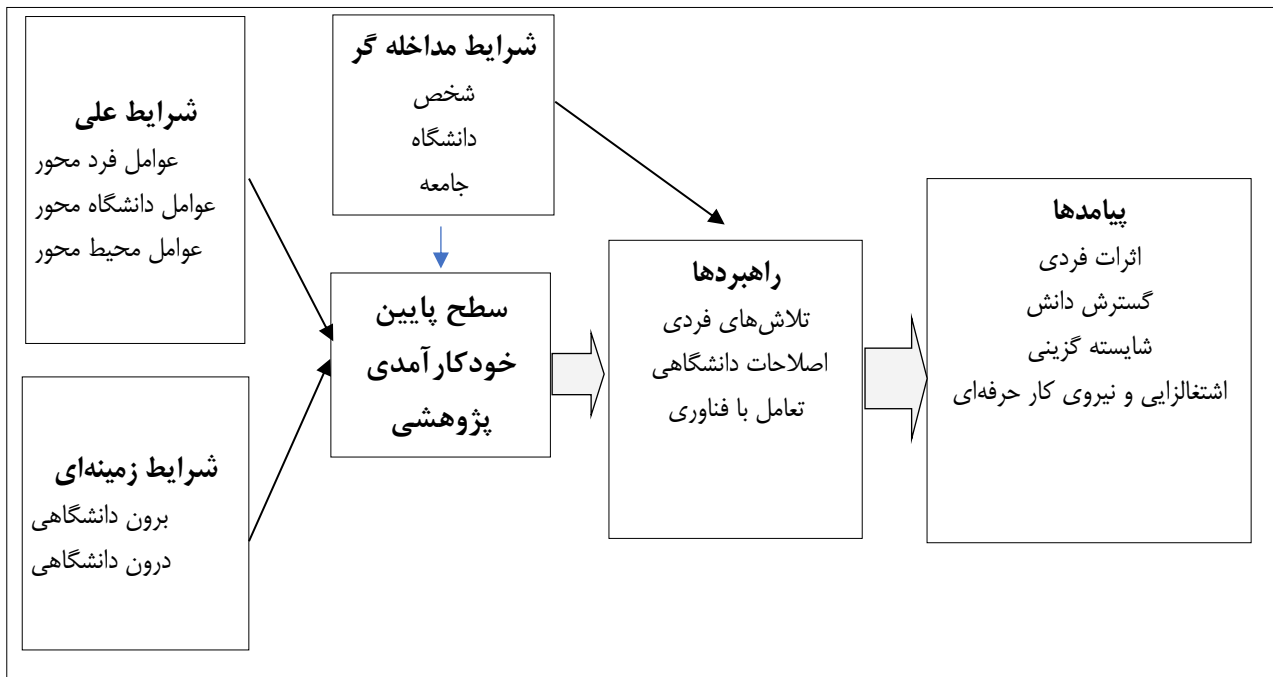
جدول ۶

پیامدهای بهبود خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان

ردیف	فراوانی	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
۱	۱۱	افزایش اعتماد بنفس دانشجویان	اثرهای فردی	پیامد
۲	۱۳	رشد و تعالی شخص و نیروی انسانی جامعه		
۳	۴	میل به پیشرفت		
۴	۸	مسئولیت‌پذیری و استقلال	شایسته‌گزینی	
۵	۷	انجام بهتر وظایف و حس مفید بودن		
۶	۲	پیش‌بینی توانایی افراد		
۷	۶	اشتغال‌زایی	اشتغال‌زایی و نیروی کار	
۸	۶	نیروهای متخصص کافی و آگاه	حرفه‌ای	
۹	۲	ارائه راهکارهای مناسب برای حل مشکلات		
۱۰	۷	بهبود نتایج پژوهش‌ها	گسترش دانش	
۱۱	۲	نگاه جامعه به دانشجویان به عنوان منابع علمی و پژوهشی		
۱۲	۳	بهبود دانش بشر و اشتراک‌گذاری دانش		
۱۳	۷	شناسایی نیازهای جامعه و ارائه نتایج پژوهش‌ها به سازمان‌های ذیربط		
۱۴	۱۰	حرکت جامعه به سمت پیشرفت و توسعه یافتگی و افزایش اختراعات		
۱۵	۳	محیط پژوهش پرور و توسعه بستر مناسب پژوهش		

شکل ۲

مدل مفهومی واکاوی موانع خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان بر اساس نظریه بنیان



نتیجه‌گیری

دانشجویان هر جامعه قشر کارآمد و آینده‌سازان هر کشور هستند. گروهی که بخش عظیم برنامه‌ریزی و بودجه هر کشور را به خود اختصاص می‌دهند و پیشرفت تحصیلی آن‌ها در کسب موفقیت‌های آتی‌شان اهمیت بسزایی دارد. بنابراین، شناسایی عوامل مؤثر بر انگیزش پیشرفت تحصیلی دانشجویان و توجه به آن‌ها گامی به سوی توسعه پایدار است. دانشجویان تحصیلات تکمیلی با توجه به درگیری بیشتر با پژوهش و فعالیت‌های تحقیقاتی در توسعه فرایندها و خدمات آموزشی در جامعه نقش مهمی دارند. بنابراین، کسب مهارت‌های مربوط به پژوهش اهمیت فراوانی دارد. خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان از جمله ویژگی‌هایی است که ارتقا و بهبود آن در کنار مرتفع ساختن موانع موجود در این مسیر می‌تواند فارغ‌التحصیلانی زنده و کارآمد به جامعه تحویل دهد. بنابراین، هدف اصلی این پژوهش واکاوی موانع خودکارآمدی پژوهشی در میان دانشجویان با استفاده از نظریه بنیانی بود. در این پژوهش تلاش شد تا موانع خودکارآمدی پژوهشی از دیدگاه دانشجویان مورد بررسی عمیق قرار گیرد. همان‌طور که نتایج نشان داد، عوامل بسیار گوناگون و متنوعی در این زمینه اثرگذارند و بدان معناست که یک ویژگی خاص تحت شرایط مختلف درون فردی یا برون فردی قابلیت تغییر فراوانی خواهد داشت. حال آنکه این تغییر می‌تواند به سمت مثبت باشد؛ یعنی اینکه باعث تقویت و بهبود خودکارآمدی پژوهشی در دانشجو شود یا برعکس در جهت منفی باشد و خودکارآمدی پژوهشی در شخص را کاهش دهد. در این پژوهش عواملی که بر خودکارآمدی دانشجویان تأثیر منفی دارند یا به عبارت دیگر، موانع بروز یا تقویت خودکارآمدی پژوهشی بررسی شد. عوامل وابسته به شخص، خانواده، دانشگاه، محیط و جامعه می‌تواند فردی با سطح خودکارآمدی پژوهشی پایین را به شخصی با سطح خودکارآمدی پژوهشی بالاتر تبدیل سازد یا در جهت منفی آن شخص با خودکارآمدی پژوهشی بالا را به فردی بی‌میل و بی‌رغبت به پژوهش تبدیل کند. بررسی جنبه‌های مختلف خودکارآمدی به‌عنوان عامل تأثیرگذار بر موفقیت‌های دانشجویان تحصیلات تکمیلی در همه ابعاد می‌تواند



علاوه بر بهبود شرایط تحصیلی دانشجویان، از عواقب فردی و اجتماعی، عدم موفقیت آن‌ها پیشگیری کند، با ایجاد محیطی مطلوب برای یادگیری، موفقیت نظام آموزشی را در پی داشته باشد و صرف هزینه‌های پرورش دانشجویان تحصیلات تکمیلی را توجیه کند.

توجه به عوامل مؤثر بر خودکارآمدی پژوهشی می‌تواند در به وجود آوردن و پروراندن افراد توانمند، کارآمد، دانشمند، پژوهشگر و سازنده مؤثر باشد. تمرکز بر موانع رشد خودکارآمدی در دانشجویان نیز در همین راستا باعث بهبود و فراهم ساختن زمینه‌های رشد خودکارآمدی پژوهشی در دانشجویان تحصیلات تکمیلی می‌شود. با توجه به نتایج پژوهش، عواملی مانند ارتباط با دوستان، نحوه پرکردن اوقات فراغت، چگونگی طراحی اهداف و خودسنجی، مدیریت افکار و دیدگاه شخص نسبت به شکست و غیره از عواملی هستند که به خود شخص بستگی دارند؛ به عبارت دیگر، عواملی مانند آنچه ذکر شد، از درون شخص نشئت می‌گیرد و ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری وی در عدم رشد خودکارآمدی و به خصوص خودکارآمدی پژوهشی اثرگذار است. عواملی مانند موفقیت‌های تحصیلی کسب شده توسط دانشجو، ارتباط دانشجو با استادان دانشگاه، روش‌های پژوهش مورد استفاده و رایج در دانشگاه یا دانشکده محل تحصیل، آموزش‌های در دسترس، نحوه تدریس استادان و غیره وابسته به محیط دانشگاه هستند؛ یعنی در صورت ایجاد در برخی فرایندهای رایج در دانشگاه می‌توان انتظار تغییر شرایط لازم برای بهبود وضعیت خودکارآمدی در میان دانشجویان را داشت. از طرف دیگر، عواملی مانند آینده شغلی، خدمت سربازی برای آقایان، مدرک‌گرایی، سرگذشت اطرافیان، اشراف به ابعاد قانونی و غیره بر اساس محیط زندگی فرد می‌تواند بر بهبود یا تضعیف خودکارآمدی پژوهشی وی اثرگذار باشند.

در کنار عوامل مذکور که می‌توانند رابطه علت و معلول با بهبود یا تضعیف خودکارآمدی پژوهشی داشته باشند، برخی عوامل، زمینه‌ساز و تأثیرگذار بر چگونگی این فرایند (بهبود یا تضعیف خودکارآمدی پژوهشی) هستند که در این پژوهش به عوامل درون‌دانشگاهی و برون‌دانشگاهی تقسیم شدند. ضمن اینکه برخی ویژگی‌های شخصی و برخی ابعاد مربوط به دانشگاه و جامعه نیز در این زمینه تأثیرگذارند.

افزایش ظرفیت دانشگاه‌ها، نبود انگیزش و علاقه‌مندی استادان، کمبود تجهیزات و امکانات و فضا و همچنین نبود بودجه کافی برای اجرای پژوهش‌ها نمونه‌هایی از عوامل متعددی هستند که قوت و ضعف یک دانشگاه در این زمینه‌ها می‌تواند بر تعداد دانشجویان موفق و با سطح بالای خودکارآمدی یا کاهش فراوان این دسته از دانشجویان اثرگذار باشند. در واقع، این عوامل سهم عظیمی از سلسله موانع و عوامل بازدارنده رشد و تقویت خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان در هر دانشگاه به‌شمار می‌آیند که می‌توانند با برنامه‌ریزی صحیح و بهره‌گیری از تجارب سایر دانشگاه‌های داخل و خارج از کشور و ایجاد تغییراتی هر چند کوچک، شرایط لازم برای بروز خلاقیت‌ها و توانایی‌های دانشجویان را فراهم کنند و فارغ التحصیلانی توانا و کارآمد به جامعه ارائه دهند. در همین خصوص محدودیت‌های ناشی از خط مشی‌ها و مقررات، کاهش ارزش علم در جامعه و عدم باور مسئولان به اهمیت و تأثیر پژوهش در توسعه و پیشرفت جوامع را می‌توان به‌عنوان نمونه‌هایی از موانع ارتقای خودکارآمدی پژوهشی معرفی کرد که رفع آنان مستلزم تغییر دیدگاه در مدیریت‌های کلان کشور و ترویج فرهنگی است که مدیران و مسئولان را به نقش و اهمیت توجه به پژوهش و نیازهای یک پژوهشگر آگاه‌تر سازد و همیاری آنان را در این زمینه و در پیشبرد تحقیقات تا حد زیادی افزایش دهد.

در بررسی‌ها و تحلیل‌های صورت گرفته راهبردهایی استخراج شد که هر کدام مستلزم نقش‌آفرینی فرد، دانشگاه محل تحصیل و همچنین تأثیرپذیری از نحوه تعاملات و فعالیت‌های مرتبط با فناوری هستند و در نهایت، انتظار آن می‌رود که این راهبردها، پیامدهایی را به بار آورند که از بعد فردی می‌توان به افزایش اعتماد به نفس دانشجو، میل به پیشرفت در او و همچنین به رشد و تعالی فردی وی اشاره کرد. این پیامدها نه تنها در قالب اشخاص و دانشجویان نمود پیدا می‌کند، بلکه برای جامعه نیز مزایا و محاسنی را به ارمغان می‌آورد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به اشتغال‌زایی، مسئولیت‌پذیری، افزایش نیروهای متخصص، توسعه بستر مناسب پژوهش، انجام دادن بهتر وظایف به وسیله افراد و به‌طور کلی، کمک به تسریع حرکت جامعه به سمت پیشرفت و توسعه یافتگی اشاره کرد. با توجه به نتایج پژوهش و در راستای بهبود خودکارآمدی پژوهشی



دانشجویان پیشنهاد می‌شود که در کنار دوره‌های آموزشی تحصیلی، کارگاه‌آشنایی با راهبرهای خودکارآمدی در تحصیلات تکمیلی نیز برای آن‌ها برگزار شود یا حتی شاید بهتر باشد که این آموزش به‌عنوان یک واحد درسی پیش‌نیاز در ابتدای ورود به تحصیلات تکمیلی در برنامه درسی دانشجویان قرار گیرد تا آن‌ها پیش از پرداختن به درس‌های تخصصی و در ابتدای مسیر تحصیلات تکمیلی به مهارت‌های لازم در این زمینه مجهز شوند تا بتوانند با آگاهی بیشتر از فرصت‌های پیش رو استفاده کنند.

از محدودیت‌های پژوهش می‌توان گفت که در روند مصاحبه‌ها با توجه به موضوع پژوهش که باعث گرایش سؤالات به سمت چالش‌ها و موانع می‌شد، تا حدودی ذهنیت پاسخ‌دهندگان به سمت مطرح ساختن تمام مشکلات موجود در محیط دانشگاه و حتی سراهای دانشجویی سمت و سو می‌گرفت. در تمام مصاحبه‌ها ایجاد و ساختن نوعی ارتباط میان انواع چالش‌ها و مسائل با کاهش توانایی‌ها و مهارت‌ها در زمینه اجرای پژوهش میان جملات یافت می‌شد. با تلاش پژوهشگر مصاحبه‌کننده سعی در حفظ چارچوب مد نظر و دریافت پاسخ مناسب برای سؤالات مطرح شده تا حد بالایی این هدف محقق شد، لیکن احتمال تأثیر اندک مسئله مذکور در نتایج پژوهش دور از انتظار نیست. از طرف دیگر، انجام دادن پژوهش در یک دانشگاه کشاورزی از نتایج قابل تعمیم به سایر دانشگاه‌ها یا دانشکده‌ها به‌طور کامل برخوردار نیست. دلیل این موضوع این است که در یک دانشکده کشاورزی با تعدادی از گرایش‌های مربوط به‌عنوان قسمتی از یک دانشگاه سراسری یا آزاد یا انواع دیگر مؤسسات آموزشی قاعدتاً در نحوه مدیریت، ساختار قدرت و تصمیم‌گیری، فضای آموزشی و بسیاری عوامل دیگر تفاوت‌های فراوانی وجود دارد.

پیشنهادها

پیشنهادهای زیر در راستای بهبود خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان ارائه می‌شود:

- توسعه برنامه‌های استعدادیابی و انگیزشی در دانشگاه به وسیله دانشجویان؛
 - توجه بیشتر به مهارت‌های مقاله‌نویسی، طراحی پژوهش، تعیین هدف و مسیر، تحلیل نتایج و گزارش نویسی در دانشگاه؛
 - بهبود زیرساخت‌ها و افزایش امکانات رفاهی، دسترسی به اینترنت با کیفیت، آزمایشگاه و هر آنچه برای شکوفایی استعدادها و آزادی عمل دانشجویان مورد نیاز است؛
 - افزایش ارتباط دانشکده‌های درون دانشگاه و همچنین افزایش ارتباط دانشگاه‌ها با سایر دانشگاه‌های کشور، سازمان‌های مربوط، پارک‌های علم و فناوری، بنیاد نخبگان و غیره؛
 - برگزاری کارگاه‌ها و سمینارهایی با دیدگاه پژوهش محوری و بالا بردن جایگاه پژوهش در کنار آموزش؛
 - در دسترس قرار دادن انواع زمینه‌های لازم برای سهولت هر چه بیشتر یادگیری زبان انگلیسی برای دانشجویان.
- با توجه به انجام این مطالعه در یکی از سه دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی، پیشنهاد می‌شود برای بررسی وضعیت خودکارآمدی پژوهشی در دو دانشگاه دیگر مطالعاتی صورت پذیرد. همچنین با توجه به تفاوت‌های دانشگاه‌ها با دانشکده‌های کشاورزی پیشنهاد می‌شود پژوهش مشابه در دانشکده‌های کشاورزی دانشگاه‌های سراسر کشور مورد توجه پژوهشگران باشد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.





تقدیر و تشکر

در اینجا از تمام کسانی که نویسندگان را در انجام این تحقیق یاری نمودند، قدردانی می‌شود.

References

- Abedi, A., Arizi, H., & Mohammadzadeh, F. (2006). An introduction to the meta-analytical research method in educational research. *Journal Field and University*, 49(12), 1-18.
- Baltes, B., Hoffman-Kipp, P., Lynn, L., & Weltzer-Ward, L. (2010). Students' Research Self-Efficacy during Online Doctoral Research Courses. *Contemporary Issues in Education Research*, 3(3), 51-58. <https://doi.org/10.19030/cier.v3i3.187>
- Black, M. L., Curran, M. C., Golshan, S., Daly, R., Depp, C., Kelly, C., & Jeste, D. V. (2013). Summer research training for medical students: impact on research self-efficacy. *Clinical and Translational Science*, 6(6), 487-489. <https://doi.org/10.1111/cts.12062>
- Forester, M., Kahn, J. H., & Hesson-McInnis, M. S. (2004). Factor structures of three measures of research self-efficacy. *Journal of Career Assessment*, 12(1), 3-16. <https://doi.org/10.1177/1069072703257719>
- Gravand, H., Karshki, H., & Ahanchian, M. (2013). The relationship between research self-efficacy and research performance in students of Mashhad University of Medical Sciences. *Iranian Journal of Medical Education*, 14(1), 41-51. https://www.researchgate.net/profile/Masoud-Rezaei-28/publication/369927748_THE_RELATIONSHIP_BETWEEN_RESEARCH_SELF-EFFICACY_RESEARCH_ANXIETY_AND_ATTITUDE_TOWARD_RESEARCH_A_STUDY_OF_AGRICULTURAL_GRADUATE_STUDENTS/links/64353d49609c170a130cae55/THE-RELATIONSHIP-BETWEEN-RESEARCH-SELF-EFFICACY-RESEARCH-ANXIETY-AND-ATTITUDE-TOWARD-RESEARCH-A-STUDY-OF-AGRICULTURAL-GRADUATE-STUDENTS.pdf
- Hemmings, B., & Kay, R. (2010). Research self-efficacy, publication output, and early career development. *International Journal of Educational Management*, 24(7), 562-574. <https://doi.org/10.1108/09513541011079978>
- Kahn, J. H. (2001). Predicting the scholarly activity of counseling psychology students: A refinement and extension. *Journal of Counseling Psychology*, 48(3), 344. <https://doi.org/10.1037/0022-0167.48.3.344>
- Karshki, H., & Bahmanabadi, S. (2012). Evaluation of the components and factor structure of research self-efficacy in graduate students. *Research and Planning Quarterly in Higher Education*, 19(2), 114-191.
- Kazemi Vardanjani, A., Heydari Sureshjani, S., & Drees, F. (2016). Investigating the components of research self-efficacy in graduate students. *Research Quarterly in Medical Science Education*, 9(2), 65-57. <https://doi.org/10.29252/rme.9.2.65>
- King, M. (2000). *The mentoring of graduate students*. <https://scholarworks.umass.edu/items/1f447d67-2924-44fc-ab2e-927350c8b7a7>
- Lamar, M. R., & Helm, H. M. (2017). Understanding the researcher identity development of counselor education and supervision doctoral students. *Counselor Education and Supervision*, 56(1), 2-18. <https://doi.org/10.1002/ceas.12056>
- Liu, X., Zhou, J., Xue, Y., & Qian, S. (2019). Analysis of property management ecological behavior in China based on the grounded theory: The influencing factors and the behavior model. *Journal of Cleaner Production*, 235, 44-56. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2019.06.300>
- Mullikin, E. A., Bakken, L. L., & Betz, N. E. (2007). Assessing research self-efficacy in physician-scientists: the clinical research appraisal inventory. *Journal of Career Assessment*, 15(3), 367-387. <https://doi.org/10.1177/1069072707301232>
- Petko, J. T., Sivo, S. A., & Lambie, G. W. (2020). The research self-efficacy, interest in research, and research mentoring experiences of doctoral students in counselor education. *Journal of Counselor Preparation and Supervision*, 13(1), 3. <https://research.library.kutztown.edu/jcps/vol13/iss1/3/>
- Poh, R., & Abdullah, A. G. B. K. (2019). Factors influencing students' research self-efficacy: A case study of university students in Malaysia. *Eurasian Journal of Educational Research*, 19(82), 137-168. <https://doi.org/10.14689/ejer.2019.82.8>
- Roshniyan Ramin, M., & Aghazadeh, M. (2013). Research self-efficacy among master's students in psychology and educational sciences. *Research in Curriculum Planning*, 2(12), 1-9.
- Salehi, M., Karshki, H., Ahanchian, M., & Karimi-Monaghi, H. (2011). Validation of research self-efficacy scale of graduate students of Mashhad and Ferdowsi Universities of Medical Sciences. *Journal of Education in Medical Sciences*, 12(6), 396-409.
- Sawtelle, V., Brewe, E., & Kramer, L. H. (2013). Sequential logistic regression: A method to reveal subtlety in self-efficacy. <https://digitalcommons.fiu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1193&context=sferc>
- Shafiei, M., Salimi, Q., Mohammadi, M., & Mokhtari, Z. (2017). Research self-efficacy and professional decision-making self-efficacy of Shiraz University of Medical Sciences students; Providing an explanatory model. *Iranian Journal of Medical Education*, 18(7), 49-59.
- Vaccaro, N. (2009). The relationship between research self-efficacy, perceptions of the research training environment and interest in research. <https://search.proquest.com/openview/0c77ccd1f2e4924478f827cea3024967/1?pq-origsite=gscholar&cbl=18750>
- Wildauer, J. (2017). Reflected Academic self-efficacy: How teacher behavior influences self-efficacy in the classroom. *Minnesota State University, Mankato*. <https://search.proquest.com/openview/c3e91f62df39109a6c447773f9bf7f82/1?pq-origsite=gscholar&cbl=18750>
- Yasini, A., & Taban, M. (2015). Presenting and testing the explanatory model of the research self-efficacy of humanities students in the research-oriented space and environment: case study, universities in the west of the country. *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Humanities*, 4(32), 1-22.